



Pathology of University in Educating a Responsible Citizen and Solutions to Modify it

Alireza Tanhayee ¹

Abstract

Background & Purpose: In today's society, one of the main duties of the university should be to train responsible citizens who not only feel self-worth but also consider themselves members of society. In addition, these citizens should not only face and solve problematic situations but also be able to take on various responsibilities in society and have high social participation. Accordingly, the purpose of this study is to examine the role of the university in educating a responsible citizen and to provide effective solutions.

Methodology: This research is applied in terms of purpose and has been done using a qualitative approach and content analysis. Participants of this study are university administrators, professors, experts, and specialists (employees of universities, related institutions and organizations) with a doctoral degree and at least 15 years of service. For sampling, the snowball targeted method has been used to the extent of theoretical saturation.

Findings: The analysis of the information collected in the interviews using open and axial coding indicates that the most important fundamental harms in reducing the effectiveness of the administrators of the universities of the Islamic Republic of Iran in educating responsible citizens include: the uncontrolled spread of quantitativeism in the development of universities and the weakness of quality, the weak relationship among academia, society, and industry, and the wrong system of promoting professors. Besides, the most important and effective ways to achieve this goal include: rethinking institutional values of university, establishing educational sites in the city with the help of other social institutions (municipality), reviewing the functions of higher education by specialists and experts in educational sciences.

Conclusion: Applying strategies to improve the role of the university in educating responsible citizens can provide the ground for sustainable development in country by producing and promoting sustainable order and strengthening, deepening, and developing the values of democracy in society.

Keywords: University, Pathology, Responsible citizen, Social citizen

Citation: Tanhayee, Alireza (2021). Pathology of University in Educating a Responsible Citizen and Solutions to Modify it. *Journal of Human Resource Studies*, 11(4), 129-148. <https://doi.org/10.22034/JHRS.2022.143769>

1. Assistant Prof., Department of Humanities, Faculty of Science and Technology, Farabi University, Tehran, Iran.
E-mail: atanhayee@yahoo.com

Published by Shahid Sattari Aeronautical University, Faculty of Management

DOI: <https://doi.org/10.22034/JHRS.2022.143769>

Received: September 12, 2020; Accepted: February 04, 2022

Journal of Human Resource Studies, 2021, Winter, Vol, 11, No, 4, 129-148

Article Type: Research-based

E.ISSN: 2783-0624

<http://www.jhrs.ir/>

© Authors





آسیب‌شناسی نقش آفرینی دانشگاه در پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر و راه‌کارهای

بهبودی آن

علیرضا تنهایی^۱

چکیده

زمینه و هدف: در جوامع امروزی، یکی از وظایف اصلی دانشگاه را باید تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیری بدانیم که هم خود را عضوی از جامعه می‌دانند و هم احساس خودارزشی می‌کنند؛ شهروندانی که بتوانند هنگام مواجهه با موقعیت‌های مسئله‌ساز آنها را حل کنند، در جامعه مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده بگیرند و حضور فعال خود را در مشارکت اجتماعی نشان دهند. بر همین اساس، هدف از پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی نقش آفرینی دانشگاه در پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر و ارائه راه‌کارهای مؤثر است.

روش: پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است و با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، مدیران دانشگاه‌ها، استادان، صاحب‌نظران و متخصصان مرتبط با موضوع (شاغلان در دانشگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط) با مدرک تحصیلی دکتری و حداقل ۱۵ سال سابقه خدمت بوده‌اند. برای نمونه‌گیری از روش هدفمند به شیوه گلوله برفی تا حد کسب اشباع نظری استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز و محوری، آسیب‌های مهم و اساسی مؤثر در کاهش اثرگذاری مدیران دانشگاه‌های ج.ا.ا. در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر شناسایی شد که عبارت‌اند از: گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در توسعه دانشگاه‌ها و ضعف کیفیت‌گرایی؛ ضعف ارتباط دانشگاه، جامعه و صنعت و نظام نادرست ارتقای استاد. افزون بر این، راه‌کارهای مهم و مؤثر برای دستیابی به هدف مدنظر نیز مشخص شد که عبارت‌اند از: بازاندیشی ارزش‌های نهادین دانشگاه؛ ایجاد سایت‌های آموزشی در سطح شهر با کمک سایر نهادهای اجتماعی (شهرداری)؛ بازنگری کارکردهای آموزش عالی توسط متخصصان و صاحب‌نظران علوم تربیتی.

نتیجه‌گیری: به‌کارگیری راه‌کارهای بهبودی نقش آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر می‌تواند با تولید و ترویج نظم پایدار و تقویت، تعمیق و توسعه ارزش‌های دموکراسی در جامعه، زمینه و بستر توسعه پایدار را در کشور فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، آسیب‌شناسی، شهروند مسئولیت‌پذیر، شهروند اجتماعی

استناد: تنهایی، علیرضا (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی دانشگاه در پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر و راه‌کارهای بهبودی آن. *مطالعات منابع انسانی*، ۱۱(۴)، ۱۲۹-۱۴۸.

مقدمه

دانشگاه مرجع اصلی تولید علم و در عین حال جایی است که ایجاد شغل، توسعه مهارت‌ها، پرورش آگاهانه شهروند و انتشار دانش، نگرانی‌های اصلی آن است. تحصیلات عالی، تعیین‌کننده درآمد و یکی از سرمایه‌گذاری‌های مهمی است که هر کشوری باید برای شهروندان خود انجام دهد؛ زیرا ضمن تربیت نیروی انسانی با مهارت‌های فنی و مدیریتی، به ایجاد نگرش و تغییرات لازم برای جامعه‌پذیری، مدرنیزاسیون و کلیات تحول در جوامع کمک می‌کند. در چارچوب چالش‌های بزرگ جامعه کنونی، امروزه بحث لزوم گنجانیدن مطالعات نوآوری اجتماعی در فرایند اصلی آموزش دانشگاه مطرح است. این دانش، به فراگیران آموزش می‌دهد تا بتوانند از آنها برای حل مشکلات اجتماعی به‌عنوان کارگزاران یا مبتکران اجتماعی استفاده کنند (بایو، چامیند و گورانسون^۱، ۲۰۲۰)؛ زیرا دانشگاه تداوم راهی است که نظام آموزشی و تربیتی جوامع کنونی، در مسیر پرورش دانش‌آموختگانی آگاه و کاردان طی کرده است تا آنان را مهیای پذیرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌هایی سازد که امکان حفظ جامعه و توسعه حیات اجتماعی، سیاسی و سپهر ارزش‌ها و آرمان‌های معنابخش آن را فراهم کند (کینگ، جی‌مایه‌یو و مک‌الروی^۲، ۱۳۹۷).

امروزه، رسالت فرهنگی دانشگاه در آماده‌سازی دانشجویان برای رویارویی با واقعیت‌های جامعه اهمیت زیادی پیدا کرده است، به همین دلیل، تربیت شهروند خوب (یمینی‌دوزی سرخابی، ۱۳۸۲) روشنگری، تعمیق ارزش‌ها، هنجارها، باورها، اخلاق و آماده‌سازی دانشجویان برای زندگی جمعی و پرورش شهروندان مسئول و خودانگیخته، در راستای توسعه منابع انسانی متعهد و متخصص و بالندگی جامعه، از خدمات اجتماعی دانشگاه به حساب می‌آید (ماحوزی، ۱۳۹۶)؛ زیرا دانشگاه با تربیت شهروند دانشگاهی، می‌تواند دانشجویان را به‌عنوان شهروندان جامعه، برای مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های گیربان‌گیر هزاره سوم آماده کند. چالش‌هایی که خواستگاه آن هم مسائل فرهنگی شهروندی (مانند ضعف آگاهی شهروندی و کم‌اثری آموزش شهروندی)؛ هم مسائل اجتماعی شهروندی (مانند تضعیف سرمایه اجتماعی، تضعیف اعتماد اجتماعی و تزلزل هم‌بستگی اجتماعی)؛ هم مسائل حقوقی - سیاسی شهروندی (مانند فقدان توازن در «معادله حق - وظیفه شهروندی»، کم‌رنجی عدالت حقوقی و قانونی و قضایی، دست‌اندازی رسانه‌های نامستقل و احزاب سیاسی به جامعه مدنی و حوزه عمومی) و در نهایت، مسائل اقتصاد سیاسی شهروندی (از جمله تبدیل شهروند به مصرف‌کننده و مشتری و به محاق رفتن رفاه شهروندی و عدالت اجتماعی) را دربرمی‌گیرد. شایان ذکر است که تمامی مؤلفه‌های شهروندی دانشگاهی، همانند وظیفه‌شناسی، احترام و تکریم ارباب رجوع، نوع‌دوستی، فضیلت شهروندی و جوان‌مردی، تعهد، وجدان‌کاری، احترام به همکاران، مشارکت‌های مختلف در کار، دل‌سوزی، ایثار در کار، کمک‌های کاری و مالی به همکاران و مانند اینها با نیازهای جامعه سازگاری دارد (نجاتی حسینی، ۱۳۹۶).

به گفته ایس چو^۳، در عصر حاضر، آموزش عالی نباید فقط دل‌خوش تولید مدرک باشد، بلکه لازم است به تربیت شهروندانی حرفه‌ای و متمر ثمر برای تغییر زندگی جامعه و تمدن بشری نیز بیندیشد. تربیت شهروندان آینده حول سه محور خواهد بود: مسئولیت‌پذیری اخلاقی - اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سواد سیاسی. از سوی دیگر، برای تربیت

1. Bayuo, Chaminade & Göransson
2. King, Jimmyahu and McAlroy
3. Alis cho

شهروند خوب، چهار عناصر دانش، تفکر، تعهد و عمل، لازم است. در جوامع امروزی، باید وظیفه اصلی دانشگاه را پرورش فرد اجتماعی کارآمد بدانیم تا فرد موفق. از سوی دیگر، ثمره‌های آموزش باید بیشتر جنبه عمومی داشته باشد تا خصوصی. فارغ‌التحصیلان امروز دانشگاه‌ها، علاوه بر حوزه تخصصی، باید با بهره‌بردن از آموزش‌های عمومی ارائه‌شده در دانشگاه‌ها، برای انجام وظایفشان به‌عنوان یک انسان، والد و شهروند آماده شوند تا در راستای نیل به کمال انسانی و آگاهی مدنی که فعالیت‌های مشارکتی شهروندی به آنها نیاز دارد، موفق شوند (سوزالو^۱، ۱۹۳۲).

بر اساس آرای صاحب‌نظران، انتظار می‌رود که برای ساختن جامعه خوب، این حوزه از دانشگاه به تقویت، تعمیق و توسعه ارزش‌های دموکراسی لیبرال در جامعه کمک کند. بر مبنای نظریه دانشگاه شهروندی، برآیند نهایی چنین وظیفه‌ای، تربیت فرد دانشگاهی به‌عنوان شهروند است؛ ضمن اینکه دانشگاه به‌عنوان محل تولید علم، باید نقش مکمل دیگری را نیز ایفا کند و آن تربیت هم‌زمان دانشجویی است که در کنار علم‌ورزی، بتواند فرهنگ ارزش‌های شهروندی و خدمت به اجتماع محلی و ملی را فراگیرد. دانشمندان و استادان دانشگاه‌ها، علاوه بر انجام وظایف علمی و رسمی دانشگاهی خود، باید در عرصه علم‌ورزی تخصصی، به‌عنوان عضو عادی جامعه به سرنوشت و بهبود اجتماع محل زیست خود متعهد باشند؛ به این معنا که نقش شهروندی دانشمندان، به‌نوعی مکمل نقش علمی و کاملاً تخصصی و حرفه‌ای آنان است. انتظار جامعه از نظام آموزش عالی این است که دانشگاه به‌جای تربیت دانش‌آموخته صرف، بخواهد و بتواند دانش‌آموخته‌ای تحویل جامعه دهد که با فرهنگ مدنی - سیاسی شهروندی پرورش یافته باشد (نجاتی حسینی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۵).

علاقه‌بند (۱۳۷۹)، نقش‌آفرینی دانشگاه را انتقال هویت و ارزش‌های جامعه، انسجام و یگانگی اجتماعی، تغییر و نوآوری، پرورش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی، آموزش حرفه‌ای افراد و تأمین نیروی متخصص معرفی کرده است. یمینی‌دوزی سرخابی (۱۳۸۸) معتقد است که دانشگاه از طریق ایفای نقش‌هایی همچون ارتقا و انتقال علم و دانش بشری، تحقق جامعه‌پذیری جوانان برای عبور از فردیت و رسیدن به حیات جمعی، در توسعه جامعه نقش مهمی دارد. ذوالفقارزاده و سعدآبادی (۱۳۹۳) انسان‌سازی، تأمین استقلال و خودباوری، آینده‌سازی و تضمین سعادت جامعه، ایجاد نگرش‌های مثبت، تقویت هویت ملی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری، رشد روحی و روانی افراد و آگاه‌سازی فراگیران در جهت پیشگیری از جرایم را از جمله وظایف دانشگاه می‌دانند. به نظر هاونگی (۱۳۹۴) دانشگاه با ارائه آموزش‌های عمومی و مهارت‌های زندگی، سبب شکل‌گیری دیدگاه‌های جدید به مسائل اطراف می‌شود و به افراد توانایی می‌دهد که با موقعیت‌های مسئله‌ساز جامعه مواجه شوند. باثوم^۲ (۱۳۸۲) در پژوهشی بیان کرده است که انتقال کارکردهای نهادهایی همانند خانواده و دین به دانشگاه‌ها، در کنار فعالیت محصولات دانشگاه‌ها (دانش‌آموختگان) در تمامی سطوح جامعه، نقش بسیار مهم و تأثیرگذار دانشگاه در جامعه را برجسته می‌کند. رویه غالب و مشاهده‌های متواتر، گویای این مهم است که در حال حاضر، کارکرد نهادی مانند دانشگاه که در تربیت، آموزش، افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندی، تربیت سرمایه انسانی و انسان‌های توانمند به‌عنوان اعضای جامعه نقش مهمی دارد (نای^۳، ۲۰۰۵: ۱۱) در مقایسه با گذشته گسترش

1. Suzzallo
2. Baum
3. Nye

یافته است و دانشگاه‌ها علاوه بر کارکردهایی همچون تولید دانش (پژوهش) و انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر (آموزش)، باید شهروندان مسئولیت‌پذیری را تربیت کنند که ضمن هم‌خوانی لازم با نیازهای جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، از توانایی درک ارزش‌ها، باورها و هنجارها برخوردار باشند تا بتوانند با مشارکت مؤثر در امور جامعه، زمینه توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور را فراهم کنند. اما در حال حاضر، بر اساس تحقیقات انجام‌شده، دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها که در سراسر جامعه نقش مؤثری در شکل‌دهی به نظام‌های اجتماعی کشور ایفا می‌کنند، در مقایسه با افرادی که تحصیلات کمتری دارند، از لحاظ پارامترهای مهمی مانند «مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌پذیری» کارایی کمتر، ناامیدی بیشتر، اخلاق کاری ضعیف‌تر و ناهنجاری بیشتری دارند. بنابراین، در عمل، محصولات دانشگاه که نشان‌دهنده کارکردهای دانشگاه است، به جای ارتقای واقعیت‌های اجتماعی، در مقابل آنها قرار گرفته است (معیدفر، ۱۳۹۵).

با نگاه کلی می‌توان به این فهم رسید که دانشگاه ایران در دوره جدید، دچار نابسامانی کارکردی و به‌هم‌ریختگی ساختاری و سازمانی شده است که این وضعیت، بیشتر در سوگیری مهم سازمانی و اداری (مدیریت) ریشه دارد. عواملی همچون شیوه‌ها و روش راه‌اندازی، گسترش و سامان‌دهی دانشگاه در ایران، گرایش مدیران دانشگاه‌ها در نسخه‌برداری از یکدیگر، یکسان‌بودن روش‌های مدیریتی با محوریت وزارت علوم و یکسان‌سازی علمی و فرهنگی (آزاد ارمکی، ۱۳۹۶: ۲۰)، به‌طور طبیعی بر کارکرد اصلی دانشگاه‌ها که همان تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر نه در سطح ملی، بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی است، تأثیر زیادی خواهد گذاشت. از همین رو، برآنیم تا در این پژوهش با پاسخ به سؤال‌های زیر به نقش‌آفرینی بهتر دانشگاه در راستای تربیت شهروندانی مسئولیت‌پذیر کمک کنیم و با کاهش رفتارهای ضداجتماعی همچون پارتی‌بازی، آشناپروری، بی‌تفاوتی، تبعیض جنسی، طلاق، فروپاشی خانواده، افت تحصیلی، بی‌احترامی به قانون، اعتیاد و... در جهت تحقق توسعه پایدار جامعه گام برداریم:

۱. آسیب‌های اساسی دانشگاه در تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر کدام‌اند؟

۲. راه‌کارهای مؤثر در بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر کدام‌اند؟

پیشینه نظری پژوهش

دانشگاه و شهروند مسئولیت‌پذیر

دانشگاه‌ها، به‌واسطه نقشی که در رفاه اجتماعی ایفا می‌کنند، در خلق شهروندان مسئول در دنیای پسامدرن اهمیت شایان توجهی دارند. در بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی، یونسکو اعلام که مسئولیت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، فقط آموزش جوانان و فراهم کردن فرصت رشد حداکثری برای آنان نیست، بلکه باید نحوه به‌کارگیری این توانایی‌ها و استعدادها با حداکثر احساس مسئولیت اجتماعی به جوانان آموزش داده شود. هدف آموزش، باید تربیت دانش‌آموختگانی ماهر و شهروندانی مسئول و فعال در جامعه باشد. افزون بر این، باید توانایی‌های انتقادی و غیرسوگیرانه آنان پرورش یابد؛ به‌گونه‌ای که بتوانند انتقادی بیندیشند، مشکلات جامعه را تحلیل کنند، راه‌حل‌ها را ارائه دهند و

مسئولیت شهروندی خود را در جامعه بپذیرند (یونسکو^۱، ۱۹۹۸). براون، فلیک و ویلیامسون^۲ (۲۰۰۵) معتقدند که دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در محل کار باید به‌عنوان شهروند مسئول ایفای نقش کنند و مبتنی بر نظریه‌های یادگیری در محیط‌های اجتماعی که بر اساس هنجارهای اجتماعی مانند اعتماد و رابطه متقابل شکل می‌گیرد، دانشجویان باید در کنار کسب مهارت در موضوعی خاص، مهارت‌های شهروندی اجتماعی و شغلی را نیز در خود ایجاد کنند. به‌طبیع، این موضوع مستلزم آن است که دانشجویان توانایی‌های خود را با احساس مسئولیت شهروندی در اجتماع به‌طور کامل توسعه دهند تا در جامعه‌ای دموکراتیک، به شرکت‌کنندگانی حیاتی و مروج تغییرات تبدیل شوند و رشد عدالت را به ارمغان بیاورند (کوئیلو و منزس^۳، ۲۰۲۱).

بنابراین، امروزه ضرورت ایفای نقش پررنگ‌تر دانشگاه در توسعه محلی، ملی و بین‌المللی، نیازمند رویکردهایی جدید به پیوند دانشگاه و اجتماع است. دانشگاه باید قادر باشد که هم افراد پیشرو در حوزه تخصصی خود و هم شهروند مسئول و فعالی را روانه جامعه کند. نکته مهم این است که تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر، باید به هدفی برای محیط دانشگاه تبدیل شود؛ زیرا تربیت جوانان، به‌معنای افزایش سطح آگاهی آنها در خصوص مشارکت اعضای جامعه در حل مشکلات اجتماعی است. تربیت شهروندان مسئول، وظیفه‌ای است که می‌توان از دانشگاه‌ها انتظار داشت؛ زیرا این موضوع، همان بازشناخت و تعهد دوباره به آرمان سنتی آموزش در جهت آماده‌کردن جوانان برای زندگی مدنی در جامعه‌ای آزاد است (پاور^۴، ۲۰۰۵: ۱۶).

شهروند مسئولیت‌پذیر

در برنامه‌های تربیت شهروندی گذشته، هدف مدارس و دانشگاه‌ها تربیت شهروندانی بود که ارزش‌های ملی را درونی کنند، به قهرمانان ملی خود احترام بگذارند و با تاریخ ملی خود آشنا شوند. چنین اهدافی با برنامه‌های آموزش شهروندی معاصر که باید بر محیط‌های وسیع‌تر و تعاملات فراملی تمرکز داشته باشند، متناقض است. آموزش شهروندی باید جهت‌گیری جهان‌وطنی داشته باشد تا فراگیران را با احساس مسئولیت جهانی به اقدام‌هایی در جهت منافع جهانی و همچنین منافع نوع بشریت ترغیب کند (فوزدار و مارتین^۵، ۲۰۲۰).

آموزش شهروندی جهانی، بر تربیت افرادی تمرکز دارد که در مقابل تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام جهان احساس مسئولیت می‌کنند (گائودلی^۶، ۲۰۱۶). شهروند جهانی، نقش بسیار گسترده‌تری است که بازیگران فعالان غیردولتی فراملی را به رسمیت می‌شناسد و با اعتقاد راسخ به گفتمان تعامل جهان و کنار گذاشتن فیلتر دولت - ملت و قوم - قبیله، احساس مسئولیت جهانی می‌کند (هارشمن^۷، ۲۰۱۵).

سیم^۸ (۲۰۱۱) هدف از آموزش و پرورش دانش‌آموزان و دانشجویان برای توسعه پایدار در برنامه‌های اصلی کشورها را افزایش آمادگی و انگیزه آنان برای پذیرش مسئولیت به‌عنوان شهروندان وظیفه‌شناس می‌داند. وی آموزش شهروندی را

-
1. UNESCO
 2. Brown, Flick & Williamson
 3. Coelho & Menezes
 4. Power
 5. Fozdar & Martin
 6. Gaudelli
 7. Harshman
 8. Sim

این‌گونه تعریف می‌کند: آموزش شهروندی یا مدنی، به‌معنای آماده‌سازی جوانان برای پذیرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌ها به‌عنوان شهروند در جامعه است. به بیانی دیگر، آموزش شهروندی، آمادگی افراد به‌عنوان شهروندان فعال و مسئول برای مشارکت در دموکراسی است. تورس^۱ (۲۰۱۷) معتقد است که آموزش شهروندی، از هنجارهای فرهنگی، اولویت‌های سیاسی، انتظارات اجتماعی، آرزوهای توسعه اقتصادی ملی، زمینه‌های ژئو سیاسی و پیشینه‌های تاریخی جدا نیست. از نظر وی، دانشگاه‌ها نخستین نهاد اجتماعی هستند که وظیفه انتقال و تداوم ارزش‌های اجتماعی، مدنی و معرفی مفهوم هویت جهانی را برعهده دارند؛ اما مهم‌تر این است که دانشگاه‌ها، ارزش‌های دموکراتیک و اصول پذیرش مسئولیت شهروندی را برای دانشجویان ترسیم می‌کنند. به عقیده ووگلرز^۲ (۲۰۱۷) در جامعه دموکراتیک، یکی از ابعاد آموزش، تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر یا توانایی و تمایل به ایفای نقش فعال شهروندی در بهبود جامعه برای همه افراد است. اهداف سطوح مختلف دانشگاه‌ها در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر عبارت‌اند از:

۱. افزایش درک ارتباط بین رفاه انسان، اقتصاد و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان شهروند با هدف ایجاد جامعه‌ای با رفاه نسبی؛
۲. افزایش درک میراث فرهنگی خود و فرهنگ‌های مختلف، عدالت و پیش شرط‌های اعتماد بین گروه‌های انسانی؛
۳. توسعه توانایی تعامل بین فرهنگی و بین‌المللی؛
۴. افزایش آمادگی برای تشخیص تغییرات در محیط و جامعه و شناسایی علل و پیامدهای آنها در محیط نزدیک و همچنین در سطح جهانی؛
۵. تغییر در شیوه‌های ناپایدار روزانه زندگی و تعهد به گسترش شیوه‌ای پایدار از زندگی؛
۶. بهبود آمادگی و افزایش انگیزه برای مشارکت و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری به‌عنوان شهروند مسئولیت‌پذیر و عضو جامعه کار و سایر جوامع؛
۷. آموزش تخصصی انواع مهارت‌های حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف، به‌منظور فراهم کردن پیش‌نیازهایی برای توسعه مهارت‌ها جهت تبدیل شدن به شهروند مسئولیت‌پذیر.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی است و از آنجا که به‌دنبال آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر و ارائه راه‌کارهای مؤثر است، از نظر روش تحقیق، در حیطه تحقیقات اکتشافی طبقه‌بندی می‌شود. رویکرد این مطالعه نیز کیفی است و برای اجرا از تحلیل محتوا بهره برده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، استادان، صاحب‌نظران و متخصصان مرتبط با موضوع (شاغلان در دانشگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط) هستند که شرط حضور آنها داشتن دست‌کم مدرک تحصیلی دکتری و حداقل ۱۵ سال سابقه خدمت و نگارش مقاله و تألیف کتاب در ارتباط با موضوع پژوهش بوده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

| ردیف | مسئولیت سازمانی | رتبه علمی | سابقه فعالیت (سال) |
|------|--|-----------|--------------------|
| ۱ | رئیس دانشکده و دانشیار دانشگاه امام صادق(ع) | دانشیار | ۲۶ |
| ۲ | مدرس و پژوهشگر دانشگاه دفاع ملی | دانشیار | ۳۲ |
| ۳ | هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و رئیس پژوهشکده علوم انسانی | استادیار | ۲۳ |
| ۴ | عضو هیئت علمی دانشگاه اطلاعات و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری | دانشیار | ۲۷ |
| ۵ | هیئت علمی دانشگاه تهران | دانشیار | ۲۹ |
| ۶ | مدیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم | دانشیار | ۳۲ |
| ۷ | هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم | دانشیار | ۲۴ |
| ۸ | مدیر گروه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم | دانشیار | ۲۳ |
| ۹ | هیئت علمی گروه جامعه و امنیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم | استادیار | ۱۵ |
| ۱۰ | هیئت علمی گروه مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم | استادیار | ۱۷ |
| ۱۱ | رئیس دانشگاه و دانشیار دانشگاه فارابی | دانشیار | ۳۴ |
| ۱۲ | مدیر تحصیلات تکمیلی پژوهشکده و معاونت مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه | استادیار | ۲۲ |
| ۱۳ | هیئت علمی گروه فرهنگی پژوهشکده مطالعات اجتماعی فرهنگی | استادیار | ۳۲ |
| ۱۴ | هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تهران | دانشیار | ۲۱ |
| ۱۵ | هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران | دانشیار | ۲۷ |
| ۱۶ | هیئت علمی و رئیس دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه | استادیار | ۱۸ |
| ۱۷ | هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی فرهنگی | استادیار | ۱۵ |
| ۱۸ | هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی فرهنگی | استادیار | ۱۶ |
| ۱۹ | هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران | دانشیار | ۲۳ |
| ۲۰ | هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس | دانشیار | ۲۲ |
| ۲۱ | هیئت علمی دانشگاه آزاد (واحد علوم تحقیقات) | دانشیار | ۳۲ |
| ۲۲ | هیئت علمی دانشگاه آزاد و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات راهبردی | استادیار | ۱۷ |
| ۲۳ | رئیس اسبق دانشگاه و هیئت علمی دانشگاه فارابی | استادیار | ۲۰ |
| ۲۴ | هیئت علمی دانشگاه فارابی | استادیار | ۳۳ |
| ۲۵ | رئیس دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق و عضو هیئت علمی دانشگاه | استادیار | ۳۱ |
| ۲۶ | هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع و معاون وزیر | استادیار | ۳۴ |
| ۲۷ | هیئت علمی و رئیس اسبق دانشگاه امین | استادیار | ۲۲ |
| ۲۸ | هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) | استادیار | ۱۸ |
| ۲۹ | هیئت علمی دانشگاه خوارزمی و رئیس اسبق دانشکده مدیریت | دانشیار | ۲۲ |

نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بسیار متفاوت از پژوهش‌های کمی است؛ زیرا هدف آن به‌جای تعمیم یافته‌ها، کسب درک عمیق از پدیده در دست بررسی است (اشتراس و کوربین، ۲۰۱۱)^۱ از آنجا که پژوهش کیفی راه رسیدن به محتوای ذهنی افراد است و نمی‌توان آن را از طریق روش‌های سخت و دقیق کمی انجام داد، ابزارها و روش‌های آن نیز بسیار متفاوت است. نمونه‌ها باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس هدف و سؤال پژوهش فراهم آورند. به چنین شیوه‌ای نمونه‌گیری هدفمند^۲ گفته می‌شود (هالووی و ویلر، ۲۰۱۰). بر این اساس، در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله برفی و رسیدن به اشباع نظری استفاده شد. شایان ذکر است که پرسش‌های مصاحبه این پژوهش، متفاوت از پرسش‌های پژوهش و با هدف تأمین داده‌های مورد نیاز برای فهم آنها طراحی و روایی آنها با استفاده از روش محتوایی بررسی شد؛ بدین ترتیب که پس از مطالعه پیشینه پژوهش، سؤال‌های مصاحبه طراحی شدند و قبل از انجام مصاحبه، چند صاحب‌نظر و خبره حوزه پژوهش آنها را بررسی کردند که پس از اعمال نظرهای این افراد، به انجام مصاحبه اقدام شد. افزون بر این، در فرایند اجرای پژوهش، مشارکت‌کنندگان روایی سؤال‌ها و فرایند پژوهش را بررسی و آنها را تأیید کردند. در ضمن، برای پی‌بردن به اعتبار پژوهش، از تکنیک بازبینی یافته‌ها به کمک عضو^۴ استفاده شد. بازخور پاسخ‌دهندگان و تصدیق آنان تکنیکی است که پژوهشگران برای کمک به بهبود صحت، مقبولیت، اعتبار و قابلیت کاربرد مطالعه استفاده می‌کنند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۵). بر همین اساس، هم در تمام مراحل کدگذاری و هم در انتهای تحقیق، به‌منظور افزایش و تأیید مقبولیت و اعتبار، یافته‌های پایانی پژوهش در اختیار خبرگان حوزه پژوهش قرار گرفت که مشارکت‌کنندگان صحت روش کدگذاری و کامل بودن یافته‌ها را تأیید کردند که تمام این مراحل، از اعتبار و مقبولیت کافی پژوهش حکایت می‌کند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از تبیین نظری و روش استدلال منطقی و استقرایی در تحلیل محتوا بود. در این روش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت آگاهانه و هم‌زمان است و جمع‌آوری، تحلیل و نظریه‌پردازی داده‌ها، بر اساس رویه‌های نظام‌مند صورت می‌پذیرد. تحلیل داده‌ها در روش کیفی، مستلزم انجام سه فعالیت تلخیص داده‌ها، عرضه داده‌ها و نتیجه‌گیری است که به‌صورت کدگذاری و تحلیل مفهوم‌ها، مقوله‌ها و گزاره‌ها یا فرضیه‌ها صورت می‌گیرد. با توجه به ماهیت کیفی این پژوهش، برای ارزیابی ادبیات تحقیق و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها روش تحلیل محتوای کیفی به‌کار گرفته شد. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲) بر این اساس، ادبیات تحقیق و تمامی مصاحبه‌ها ضبط و به‌صورت متن پیاده‌سازی شدند، سپس روی آنها تحلیل محتوایی انجام شد؛ بدین شکل که پس از تحلیل ادبیات تحقیق در ارتباط با هر سؤال پژوهش، به تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده اقدام شد و در نهایت با ترکیب خروجی حاصل از تحلیل ادبیات پژوهش و مصاحبه‌های انجام‌شده و حذف موضوعات مشترک، نتیجه نهایی پژوهش در ارتباط با هر سؤال به‌دست آمد. البته، در تحلیل ادبیات و مصاحبه‌ها، تلاش شد تا عبارت‌ها و کلمه‌هایی که بیشتر دربرگیرنده سؤال‌های پژوهش بودند، مشخص و دسته‌بندی شوند؛ به این شیوه که مفاهیم مشابه در دسته‌های واحد قرار گرفت و مقوله‌ای واحد برای هر دسته تعریف شد.

1. Strauss and Corbin

2. Purposive sampling

3. Holloway and Wheeler

4. Member Check

با توجه به مطالب گفته شده، شیوه تحلیل محتوای جهت‌دار برای پژوهش حاضر استفاده شد؛ زیرا زمانی از این روش استفاده می‌شود که از پیش نظریه‌هایی وجود دارد که یا کامل نیستند یا به توصیف بیشتری نیاز دارند. در پژوهش حاضر، این شکل از روش تحلیل محتوا کارگشاست و به معتبر ساختن و گسترش هرچه بیشتر نظریه کمک می‌کند. این شکل از فرایند تحلیل محتوا بیشتر ساختارمند است. محقق با اتکا به ادبیات نظری موجود، متغیرها و مفهومی‌های اصلی را شناسایی و سپس رمزگذاری می‌کند و در مرحله بعد، تعریف‌های عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌شود. البته، محقق بایستی بی‌طرفی را رعایت کند و خود را به داده‌های نظریه‌های موجود محدود نسازد تا بتواند به داده‌های جدیدی دست یابد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در این روش، ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و پس از آن، متن مصاحبه به دقت مطالعه می‌شود. در مرحله نخست کدگذاری، ضمن مطالعه دقیق متن، عبارت‌ها و واژه‌هایی که به نظر می‌رسد با سؤال‌های مطرح شده قرابت بیشتری دارد، مشخص می‌شود (کدگذاری باز). در مرحله بعد، عبارت‌های مشابه تحت یک مقوله نام‌گذاری می‌شوند (کدگذاری محوری) و در نهایت، به کدگذاری انتخابی مبتنی بر هدف تحقیق پرداخته خواهد شد. البته در این پژوهش با توجه به مشخص بودن کدهای گزینشی، فقط به کدگذاری باز و محوری اکتفا شد.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست کدگذاری، متن مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت کنندگان تحلیل شد، بدین ترتیب که عبارت‌های معنادار موجود در متن هر مصاحبه استخراج و کدهای مرتبط با آنها تدوین شد. در نتیجه اجرای این گام، کدهای اولیه به دست آمد. با توجه به اینکه پروتکل مصاحبه، بر مبنای آسیب‌شناسی نقش آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر و ارائه راه کارهای بهسازی آن تدوین شده بود، انجام کدگذاری‌ها نیز بر همین مبنا پیش رفت. نتایج این تحلیل در جدول‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ درج شده است.

جدول ۲. یافته‌های ادبیات در رابطه با آسیب‌شناسی نقش آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر

| مقوله محوری | زیر مقوله‌ها | شماره کدها |
|--|---|------------------------------|
| آسیب‌شناسی نقش آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | درآمذزایی و تجاری شدن در دانشگاه‌ها | |
| | یکسان‌سازی علمی، فرهنگی و اداری در دانشگاه‌ها | |
| | یکسان بودن روش‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها | |
| | یکسان بودن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی | |
| | ضابطه‌مند نبودن تولیدات علمی در کشور | |
| | ضعف تجهیزات و زیرساخت‌های دانشگاهی | ۶، ۷، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲ |
| | عدم استقلال دانشگاه‌ها | ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷ |
| | کمبود سرمایه اجتماعی در دانشگاه | ۳۹، ۴۰، ۴۴ |
| | کمی‌گرایی در توسعه دانشگاه‌ها | |
| | یکسان‌سازی سازمانی در دانشگاه‌ها | |
| | ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی | |
| | مدیریت ضعیف محیط‌های دانشگاهی | |
| | محیط پرتنش دانشگاهی | |

در مرحله دوم کدگذاری، کدهای اولیه استخراج شده از مرحله نخست، بر اساس قرابت معنایی و محتوایی تلفیق شدند و مقوله‌های فرعی و اصلی مرتبط را شکل دادند. نتایج این مرحله کدگذاری در جدول‌های ۳ و ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها در خصوص آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر

| مقوله محوری | زیرمقوله‌ها | شماره کدها |
|--|---|--|
| آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | یکسان‌بودن روش‌های مدیریتی با محوریت وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی | ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۴، ۱۵، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۴۴، ۴۶، ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸ |
| | برتری ضرورت‌های مالی به ضرورت‌های علمی و فرهنگی در ساخت و توسعه دانشگاه‌ها | |
| | نظام نادرست ارتقای استاد (تأکید بر فعالیت‌های کمی آموزشی و پژوهشی و نادیده‌گرفتن خدمات اجتماعی در فرایند ارتقا) | |
| | کاهش اقتدار استادان در دانشگاه | |
| | تعارض و نارضایتی مدیران از تولیدات دانشگاه و شیوه کار دانشگاهیان | |
| | تأسیس و سامان‌دهی دانشگاه‌های کشور منطبق با هدف یکسان‌سازی علمی، فرهنگی و اداری | |
| | یکسان‌سازی سازمانی به صورت‌های متعدد در دانشگاه‌ها | |
| | ایجاد دانشگاه‌های سازمانی به‌منظور تربیت کارمند نه اندیشمند | |
| | افزایش نهاد‌های نامرتبط در دانشگاه‌ها و افراط و تفریط در فعالیت‌های آنها | |
| | بوروکراتیک‌کردن دانشگاه‌ها به‌جای آکادمیک کردن آنها | |
| | انتقال کارایی‌های تعریف‌شده دانشگاه به سازمان‌ها و نهادهای علمی وابسته به قدرت سیاسی | |
| | وضعیت نامطلوب نظام آموزش عالی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته | |
| | کمبود سرمایه اجتماعی در فضای علمی دانشگاه | |
| | نبود نهادی برای ضابطه‌مند کردن تولیدات علمی در کشور | |
| | کم‌توجهی به سیاست‌گذاری‌های کاربردی و نیازهای واقعی جامعه | |
| | گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در دانشگاه‌ها در غیاب توجه کافی به کیفیت | |
| | استقلال ضعیف دانشگاه‌ها در فرایندهای سازمانی، مالی، علمی و استخدامی | |
| | استمرار یأس و ناامیدی در نخبگان | |
| | کم‌کیفیتی زیرساخت‌ها و تجهیزات آموزشی و پژوهشی | |
| | حاکم‌شدن فضای غیرمشارکتی و ایدئولوژیک در دانشگاه | |
| | ضعف انگیزشی و نبود چشم‌انداز روشن در دانشگاه | |
| | ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در دانشگاه | |
| | ضعف ارتباط دانشگاه، جامعه و صنعت | |
| | برداشت‌های نامناسب نظام سیاسی از دانشگاه | |
| | کارکرد نامناسب شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم در سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها | |
| | ضعف و نارسایی طرح توسعه رشته‌های علوم انسانی | |
| فرمالیسم شدن و حاکمیت فرمالیسم در نظام دانشگاه و آموزش عالی | | |
| ضعف رابطه معقول و فعال دانشگاه با نظام سیاسی | | |
| نهادینه‌کردن سیاست حذفی و رقابتی دانشگاه بین دانشجویان و استادان | | |
| تبدیل شدن دانشگاه از نهاد نخبگی به نهادی عمومی | | |
| جامعه‌بنیاد نبودن دانشگاه | | |

یافته‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری محوری ادبیات و مصاحبه‌های پژوهش (جدول‌های ۱ و ۲) نشان می‌دهد که خروجی مصاحبه‌ها، علاوه بر پوشش کدگذاری‌های باز احصا شده از ادبیات تحقیق در خصوص آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر، آسیب‌های دیگری را نیز معرفی می‌کند که در جدول ۴، ترکیب نتیجه کدگذاری محوری به‌دست‌آمده از ادبیات تحقیق و مصاحبه‌های پژوهش مشاهده می‌شود.

جدول ۴. ترکیب یافته‌های ادبیات و مصاحبه‌ها در خصوص آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت ...

| مقوله محوری | زیر مقوله‌ها |
|--|---|
| آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | یکسان‌بودن روش‌های مدیریتی با محوریت وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی |
| | برتری ضرورت‌های مالی به ضرورت‌های علمی و فرهنگی در ساخت و توسعه دانشگاه‌ها |
| | نظام نادرست ارتقای استاد (تأکید بر فعالیت‌های کمی آموزشی و پژوهشی و نادیده‌گرفتن خدمات اجتماعی در فرایند ارتقا) |
| | کاهش اقتدار استادان در دانشگاه |
| | تعارض و نارضایتی مدیران از تولیدات دانشگاه و شیوه کار دانشگاهیان |
| | تأسیس و سامان‌دهی دانشگاه‌های کشور منطبق با هدف یکسان‌سازی علمی، فرهنگی و اداری |
| | یکسان‌سازی سازمانی در اشکال و صورت‌های متعدد در دانشگاه‌ها |
| | ایجاد دانشگاه‌های سازمانی به‌منظور تربیت کارمند نه اندیشمند |
| | افزایش نهادهای غیرمرتبط در دانشگاه‌ها و افراط و تفریط در فعالیت‌های آنها |
| | بوروکراتیک‌کردن دانشگاه‌ها به‌جای آکادمیک‌کردن آنها |
| | انتقال کارایی‌های تعریف‌شده دانشگاه به سازمان‌ها و نهادهای علمی وابسته به قدرت سیاسی |
| | ضعیف نامطلوب نظام آموزش عالی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته |
| | کمبود سرمایه اجتماعی در فضای علمی دانشگاه |
| | فقدان نهادی برای ضابطه‌مند کردن تولیدات علمی در کشور |
| | کم‌توجهی به سیاست‌گذاری‌های کاربردی و نیازهای واقعی جامعه |
| | گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در دانشگاه‌ها در غیاب توجه کافی به کیفیت |
| | استقلال ضعیف دانشگاه‌ها در فرایندهای سازمانی، مالی، علمی و استخدامی |
| | استمرار یأس و ناامیدی در نخبگان |
| | کیفیت پایین زیرساخت‌ها و تجهیزات آموزشی و پژوهشی |
| | حاکم‌شدن فضای غیرمشارکتی و ایدئولوژیک در دانشگاه |
| ضعف انگیزشی و فقدان چشم‌انداز روشن در دانشگاه | |
| ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در دانشگاه | |
| ضعف ارتباط دانشگاه، جامعه و صنعت | |
| آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | برداشت‌های نامناسب نظام سیاسی از دانشگاه |
| | کارکرد ضعیف شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم در سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها |
| | ضعف و نارسایی طرح توسعه رشته‌های علوم انسانی |
| | یک‌شکل‌شدن و حاکمیت شبیه‌سازی در نظام دانشگاه و آموزش عالی |
| | ضعف رابطه معقول و فعال دانشگاه با نظام سیاسی |
| | نهادینه‌کردن سیاست حذفی و رقابتی دانشگاه بین دانشجویان و اساتید |
| | تبدیل‌شدن دانشگاه از نهاد نخبگی به نهادی عمومی |
| جامعه‌بنیاد نبودن دانشگاه | |

جدول ۵. یافته‌های ادبیات تحقیق در خصوص راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر

| مقوله محوری | زیر مقوله‌ها | شماره کدها |
|---|---|--|
| راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | توسعه دانشگاه کارآفرین | ۱، ۳، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۱، ۴۲ |
| | ارتباط صنعت و دانشگاه | |
| | توجه به کارکردهای هنجاری دانشگاه | |
| | افزایش دسترسی به آموزش عالی | |
| | رفع بوروکراسی از وزارت علوم | |
| | استقلال دانشگاه | |
| | اصلاح نظام ارزشیابی علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها | |
| | جلوگیری از ورود دانشجویان و اساتید به بازار سیاه | |
| | کنترل سریع سیاست‌گذاری | |
| | افزایش سطح همکاری دانشگاه با نهادها و ارگان‌های حکومتی و امنیتی | |
| | ارتباط دانشگاه‌ها و سایر نهادها و سازمان‌های عمومی | |

جدول ۶. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در خصوص راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند ...

| مقوله محوری | زیر مقوله‌ها | شماره کدها |
|---|--|---|
| راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | بازنگری کارکردهای آموزش عالی توسط متخصصان و صاحب‌نظران علوم تربیتی | ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۰، ۲۲، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۴، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲ |
| | ایجاد سایت‌های آموزشی در سطح شهر با کمک سایر نهادهای اجتماعی (شهرداری) | |
| | تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه | |
| | تعیین استانداردهایی به‌منظور کاهش پرولتاریای علمی ^۱ | |
| | برقراری ارتباط معقول و فعال دانشگاه با نظام سیاسی (دانشگاه در حکم اتاق مشورت کلان حکومت) | |
| | سنجش دانشگاه‌ها مبتنی بر کارکردهای خدمات اجتماعی | |
| | طراحی مجدد شورای عالی انقلاب فرهنگی مبتنی بر سازوکارهای پیش‌برنده و رشد دهنده | |
| | پرداختن دانشگاه‌ها به کارکردهای تخصصی | |
| | ترویج دانشگاه بومی در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی | |
| | جهانی‌شدن دانشگاه و عدم انقطاع از شبکه‌های جهانی | |
| | ایجاد و توسعه دانشگاه‌های کارآفرین | |

۱. پرولتاریای علمی: در این وضعیت دانشگاه از اهداف اولیه خود (اهداف آموزشی و توسعه علم) دور شده و به شرکت‌های تجاری و اقتصادی برای جذب سرمایه تبدیل می‌شود. در این بنگاه‌های اقتصادی، مفهوم دانشجو به مشتری تغییر می‌یابد و این به اصطلاح بنگاه‌ها (دانشگاه‌های پولی) رضایت مشتری را هدف اولیه خود قرار می‌دهند.

| مقوله محوری | زیر مقوله‌ها | شماره کدها |
|--|--|------------|
| | استقلال دانشگاه از نظر بودجه‌ای و سیاست‌گذاری | |
| | بوروکراسی‌زدایی از دانشگاه‌ها | |
| | غنی‌سازی و ارتقای زیرساخت‌های دانشگاه | |
| | بازطراحی نظام آموزش عالی منطبق بر آموزش و تربیت توأمان | |
| | بازاندیشی ارزش‌های نهادین دانشگاه | |
| | سوق‌دادن دانشگاه به سمت تولید دانش | |
| | توسعه همکاری‌های آموزشی و پژوهشی | |
| | تعریف مأموریت جداگانه برای هر دانشگاه | |
| | تعریف کارویژه هر دانشگاه متناسب با شرایط محیطی | |
| | اولویت‌دادن به سیاست‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی | |
| | گسترش و توسعه ورزش (فعالیت‌ها، مسابقه‌ها و جشنواره‌ها) در دانشگاه‌ها | |
| | بومی‌سازی محتوای علوم انسانی | |
| پیشگیری از وابستگی محتوایی و فکری به دانش و قدرت | | |

مقایسه نتایج کدگذاری باز ادبیات تحقیق و مصاحبه‌های انجام شده (جدول‌های ۴ و ۵) نشان می‌دهد که به جز کدهای «کاهش ساعت تدریس استادان، جذب دانشجوی متناسب با نیاز کشور، ارتقای همکاری، تعهد اجتماعی و اعتماد به نفس دانشجویان، ارتقای سطح جامعه‌پذیری دانشجویان و توجه بیشتر به کارکردهای هنجاری دانشگاه‌ها»، کدهای باز به دست آمده از مصاحبه‌ها، علاوه بر آنکه با کدهای باز حاصل از ادبیات تحقیق هم‌پوشانی دارد، کدهای بیشتری نیز به کدهای مرتبط با هر راه‌کار در پژوهش اضافه کرده است. در جدول ۷ ترکیب کدگذاری محوری ادبیات و مصاحبه‌های انجام شده در خصوص راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر آورده شده است.

جدول ۷. ترکیب کدگذاری‌های محوری ادبیات و مصاحبه‌های پژوهش برای راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه ...

| مقوله محوری | زیر مقوله‌ها |
|---|--|
| راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر | بازنگری کارکردهای آموزش عالی توسط متخصصان و صاحب‌نظران علوم تربیتی |
| | توجه بیشتر به کارکردهای هنجاری دانشگاه‌ها |
| | ایجاد سایت‌های آموزشی در سطح شهر با کمک سایر نهادهای اجتماعی (شهرداری) |
| | تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه |
| | کنترل سیاست کمی‌سازی دانشگاه‌ها |
| | تعیین استانداردهایی به منظور کاهش پرولتاریای علمی |
| | برقراری ارتباط معقول و فعال دانشگاه با نظام سیاسی (دانشگاه در حکم اتاق مشورت کلان حکومت) |
| | سنجش دانشگاه‌ها مبتنی بر کارکردهای خدمات اجتماعی |
| | طراحی مجدد شورای عالی انقلاب فرهنگی مبتنی بر سازوکارهای پیش‌برنده و رشددهنده |
| | |

| مقوله محوری | زیرمقوله‌ها |
|-------------|---|
| | پرداختن دانشگاه‌ها به کارکردهای تخصصی |
| | ترویج دانشگاه بومی در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی |
| | جهانی‌شدن دانشگاه و عدم انقطاع از شبکه‌های جهانی |
| | ایجاد و توسعه دانشگاه‌های کارآفرین |
| | استقلال دانشگاه از نظر بودجه‌ای و سیاست‌گذاری |
| | بوروکراسی‌زدایی از دانشگاه‌ها |
| | غنی‌سازی و ارتقای زیرساخت‌های دانشگاه |
| | بازطراحی نظام آموزش عالی منطبق بر آموزش و تربیت توأمان |
| | بازاندیشی ارزش‌های نهادین دانشگاه |
| | سوق‌دادن دانشگاه به‌سمت تولید دانش |
| | توسعه همکاری‌های آموزشی و پژوهشی |
| | تعریف مأموریت جداگانه برای هر دانشگاه |
| | تعریف کارویژه هر دانشگاه متناسب با شرایط محیطی |
| | اولویت به سیاست‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی |
| | گسترش و توسعه ورزش (فعالیت‌ها، مسابقات‌ها و جشنواره‌ها) در دانشگاه‌ها |
| | بومی‌سازی محتوای علوم انسانی |
| | پیشگیری از وابستگی محتوایی و فکری به دانش و قدرت |

نتیجه‌گیری

کارکرد تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر در دانشگاه، به‌ویژه در ایران به مراتب اهمیت بیشتری از کارکرد تولید دانش دارد. دانشگاه‌ها به‌هنگامند کردن، اعتدال و به‌عبارتی شهروندپروری در جامعه مدرن می‌پردازند. انسان‌های مدرن، هرچه بیشتر در معرض چنین آموزه‌هایی قرار گیرند، بهتر می‌توانند خود را با جامعه مدرن سازگار کنند و در تغییر و تحولات و بقای نظم اجتماعی جامعه مهم و مؤثر باشند. به همین علت، شاید بتوان نقش‌آفرینی دانشگاه را در تربیت نسل‌های آینده‌ای که اداره و هدایت جامعه را برعهده می‌گیرند، اساسی‌ترین مسئولیت دانشگاه دانست. البته باید این نکته را در نظر گرفت که دانشگاه در دو سطح می‌تواند به ایفای نقش خود برای تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر و توسعه شهروندپروری در جامعه بپردازد؛ یکی به‌مثابه گروه مرجع و دیگری در سطح نهاد اجتماعی. در سطح نخست، وقتی دانشگاه به گروه مرجع برای جامعه تبدیل شود، می‌تواند با جامعه شبکه ارتباطی برقرار کند و از طریق آن کانال ارتباطی، به ترویج مؤلفه‌های شهروند مسئولیت‌پذیر در جامعه بپردازد. در سطح نهاد اجتماعی با ایفای کارکرد نهادی، دانشگاه می‌تواند زمینه تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر جامعه را فراهم کند. البته این موضوع مستلزم آن است که خود دانشگاه به‌عنوان نهاد اجتماعی، از این منظر در وضعیت استاندارد باشد تا بتواند به نقش اثرگذار خود جامعه عمل ببوشاند و با تربیت انسان‌های مسئولیت‌پذیر و آشنا به نظام‌های شهروندی در سطح جامعه، زمینه توسعه پایدار جامعه را فراهم کند. دانشگاه با تربیت افراد مسئولیت‌پذیر و برخوردار از احساس ارزشمندی و عزت‌نفس و آمیخته به رشد فکری و ویژگی‌هایی همچون بسیار

مسئولیت‌پذیر، سازگار با محیط و پاسخ‌گو در برابر امور محوله، می‌تواند نقش مؤثری در پیشرفت و توسعه پایدار جامعه ایفا کند. بر همین اساس، مطالعه حاضر با هدف آسیب‌شناسی نقش دانشگاه در پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر و ارائه راه‌کارهای بهسازی به‌منظور ایفای نقش پایدار و اثربخش دانشگاه‌ها در جامعه، به‌واسطه تربیت دانش‌آموختگانی مسئولیت‌پذیر، قانون‌مدار، جامعه‌پذیر و آگاه از نیازهای جامعه و توانمند در درک ارزش‌ها، باورها و هنجارهای جامعه انجام شد. در این راستا، پس از آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در این مسئولیت‌خطیر، به ارائه راه‌کارهای بهسازی پرداخته شد. به‌منظور نیل به هدف پژوهش، محقق پس از مطالعه ادبیات تحقیق و مصاحبه با صاحب‌نظران به تجزیه‌وتحلیل داده‌ها اقدام کرد. خروجی این تجزیه‌وتحلیل‌ها که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، گویای اهم مسائل و راه‌کارهای مرتبط با آنهاست.

در رابطه با آسیب‌های قید شده، تحقیقات مختلفی به بیان مطالب و مصادیق پرداختند. از جمله ذاکر صالحی (۱۳۹۷) که معتقد است نداشتن الگوی مشخص برای توسعه آموزش عالی، تمرکزگرایی و ضعف استقلال دانشگاهی و ضعف ارتباط با جهان خارج را می‌توان از دلایل ناکارآمدی دانشگاه در تربیت نیروی انسانی کارآمد دانست. آزاد ارمکی (۱۳۹۷) نیز دلایل ناکارآمدی دانشگاه‌های ایران را یکسان‌سازی علمی، فرهنگی و اداری در دانشگاه‌ها، یکسان بودن روش‌های مدیریتی با محوریت وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکسان‌بودن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها، ضعف استقلال و افزایش مداخله‌گری در دانشگاه، یکسان‌سازی سازمانی در اشکال و صورت‌های متعدد می‌داند. سردارنیا (۱۳۹۶) گسترش بی‌رویه کمی در غیاب توجه کافی به کیفیت، کمی‌گرایی، مدرک‌گرایی، ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی؛ قانعی‌راد (۱۳۸۲) کمبود سرمایه اجتماعی در فضای علمی دانشگاه و کاظمی (۱۳۸۷) ضابطه‌مند نبودن تولیدات علمی در کشور را از آسیب‌های حوزه مدیریت دانشگاه‌ها در تربیت نیروی انسانی کارآمد و به‌طبع آن ضعف نقش‌آفرینی مؤثر در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر می‌دانند.

در خصوص آسیب‌های مؤثر در کاهش اثرگذاری نقش‌آفرینی دانشگاه‌های ج.ا.ا در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر، مهم‌ترین آسیبی که سبب تضعیف کارکرد دانشگاه در شهروند مسئولیت‌پذیر شده است، به خود نهاد دانشگاه برمی‌گردد. طرح توسعه دانشگاه‌ها که بیش از یک دهه بر آن تمرکز شده است، بیشتر از نوع کمی است و متأسفانه برای دانشگاه‌ها طرح توسعه کیفی طراحی نشده است. یعنی هدف ما در طرح توسعه دانشگاه، اضافه‌کردن تعداد دانشگاه، تعداد دانشجو، صندلی و مانند اینها بوده است؛ حال اینکه دانشگاه علاوه بر کالبد، روح هم دارد؛ یعنی در مجموع، همه کارکردهای دانشگاه به تربیت نسلی از افراد ختم شود که این موضوع در دانشگاه مغفول مانده است. ضمن اینکه در حال حاضر دانشگاه‌ها سند مأموریتی مناسبی ندارند و سند مأموریتی دانشگاه‌ها در اول انقلاب بهتر از الان بوده است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ دانشگاه‌ها از نظر کمی از کارکردهای خود عقب بودند؛ اما از نظر کیفی، کارکردهای خود را بهتر از وضعیت کنونی انجام می‌دادند. در وضعیت کنونی، طرح توسعه کمی دانشگاه ما مانند گلوله برفی می‌ماند که هرچه بزرگ‌تر می‌شود، مسئله‌ها هم بیشتر می‌شود. بنابراین، هرچه بیشتر به توسعه کمی دانشگاه پردازیم و مشکل ما هم بیشتر می‌شود؛ یعنی در آینده (ده سال دیگر) با تأکید بر اجرای طرح توسعه دانشگاه‌ها مشکلات ما هم بیشتر می‌شود».

جدول ۸. اهم مسائل و راه‌کارهای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر

| راه‌کارها | اهم مسائل |
|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> • توجه به سازوکارهای طرف تقاضا در تخصیص منابع مالی به دانشگاه‌ها • تغییر در نحوه نگرش به مسائل درونی دانشگاه مانند (دانشجو، هیئت‌علمی، کارکنان، سطح تحقیقات و تعاملات و...) • عدم استقلال فکری و مالی دانشگاه‌ها • نبود آزادی علمی در دانشگاه‌ها • ضعف شدید سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها • زدودن موانع سیستمی (کل سیستم درگیر است) و سیستماتیک (بی‌کیفیتی هدفمند است) سازوکارهای کیفیت • رفع اختلال کارکردی در دانشگاه‌ها (منطق یک زیرسیستم در زیرسیستم دیگر به کار می‌رود) • تعامل با دانشگاه‌های طراز اول دنیا • خلق علم زنده (بدنه‌دار کردن آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی) • توجه جدی به رشته‌های علوم انسانی به‌عنوان شاهراه‌های جامعه | <p>گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در توسعه دانشگاه‌ها و ضعف کیفیت‌گرایی</p> |
| <ul style="list-style-type: none"> • تجاری‌سازی علم • توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان اصیل و بنگاه‌های مشتق از دانشگاه • تشکیل مراکز تحقیقاتی مشترک دانشگاه و صنعت • توسعه و ایجاد رشته‌های مورد نیاز صنعت در دانشگاه‌ها • پیش‌بینی فرصت‌های مطالعاتی و عملیاتی برای اساتید در صنایع کشور • ترسیم کلان تصویر^۱ مسائل اساسی کشور و اعلام آن به دانشگاه‌ها • توسعه حقیقی بخش خصوصی و جلوگیری از تصدیگری دولت و تفکر خصولتی • ایجاد بازار رقابتی در پروژه‌های کلان و کوتاه‌کردن رانته‌های متعدد برخی سازمان‌ها • سفارشی‌سازی تحقیقات دانشگاهی • استفاده از خبرگان صنعتی و بازمینی برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای صنعت • ایجاد زمینه گفت‌وگو و اعتمادسازی در روابط بین دانشگاه و صنعت • خروج از خیال‌بافی در اسناد بالادستی و آمدن از عرش به فرش • کاهش اهداف بی‌شمار در اسناد بالادستی و برنامه‌های راهبردی (اهداف زیاد به معنای بی‌هدفی است) | <p>ضعف ارتباط دانشگاه، جامعه و صنعت</p> |
| <ul style="list-style-type: none"> • عدم نیاز به آیین‌نامه یکسان برای انواع دانشگاه‌ها، زیرنظام‌های آموزشی و دانشگاه‌های مأموریت‌محور و خاص. • توجه به ابعاد کیفی و نه صرفاً کمی در ارتقای اعضای هیئت‌علمی • چیره‌شدن مقاله‌محوری و کم‌توجهی به پژوهش‌های مسئله‌محور در نظام ارتقای اعضای هیئت‌علمی • بی‌توجهی به فعالیت‌های آموزشی در نظام ارتقا و نابودسازی مهم‌ترین مقطع تحصیلی (دوره کارشناسی) • چیره‌شدن روابط در نظام جذب و بی‌توجهی به قابلیت‌ها در فرایندهای جذب اعضای هیئت‌علمی که به کاهش شدید ذخیره شناختی دانشگاه‌ها و فرار و ناامیدی نخبگان منجر شده • شناسایی مسائل حیاتی نظام ارتقا و سپس تنظیم آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت‌علمی | <p>نظام نادرست جذب و ارتقای اعضای هیئت‌علمی</p> |

شایان ذکر است که از بین آسیب‌های کارکردی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر که در جدول ۲ آورده شده است، آسیب‌هایی همانند: «نظام نادرست ارتقای استاد (تأکید بر فعالیت‌های کمی آموزشی و پژوهشی و نادیده گرفتن خدمات اجتماعی در فرایند ارتقا)، کاهش اقتدار استادان در دانشگاه، تعارض و نارضایتی مدیران از تولیدات دانشگاه و شیوه کار دانشگاهیان، ایجاد دانشگاه‌های سازمانی به‌منظور تربیت کارمند نه‌اندیشمند، افزایش نهادهای غیرمرتبط در دانشگاه‌ها و افراط و تفریط در فعالیت‌های آنها، انتقال کارایی‌های تعریف‌شده دانشگاه به سازمان‌ها و نهادهای علمی وابسته به قدرت سیاسی، استمرار ناامیدی در نخبگان، تبدیل شدن دانشگاه از نهاد نخبگی به نهاد عمومی، جامعه‌بنیاد نبودن دانشگاه، ضعف و نارسایی طرح توسعه رشته‌های علوم انسانی، ضعف رابطه معقول و فعال دانشگاه با نظام سیاسی، نهادینه کردن سیاست حذفی و رقابتی دانشگاه بین دانشجویان و استادان و کارکرد نامناسب شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم در سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها» را می‌توان خروجی خاص این مقاله دانست.

در خصوص راه‌کارهای مؤثر برای ارتقای اثرگذاری دانشگاه برای تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر در حوزه مدیریت نیز تحقیقات مختلفی به بیان مطالب و مصادیق پرداخته‌اند. از جمله آدمی ابرقویی (۱۳۸۷) که از عوامل اثرگذار در این زمینه، به اصلاح نظام ارزشیابی علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها و دور کردن دانشگاه‌ها از سیاست‌زدگی اشاره کرده است. ذاکر صالحی (۱۳۹۷) معتقد است که ایجاد تحول در وزارت علوم و تبدیل شدن این وزارتخانه از حالت بوروکراتیک و ناکارآمد فعلی به ستاد تخصصی و علمی، ارتباط وثیق صنعت و دانشگاه و اصلاح نظام آموزش عالی کشور در جهت تقویت اجتماعات علمی، از عوامل مدیریتی مؤثر در ارتقای کارآمدی دانشگاه برای تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر است. ماحوزی (۱۳۹۶) توسعه دانشگاه کارآفرین در کشور و تبدیل هویت دانشگاهی به دغدغه همگانی جامعه؛ کاظمی (۱۳۹۶) ممانعت از شکل‌گیری کارخانه تولید کالاهای علمی؛ آراسته و امیری (۱۳۹۱) انطباق ساختارهای نظام‌های آموزش عالی با شرایط جدید و نیکسون^۱ (۲۰۰۸) برقراری ارتباط بین دانشگاه‌ها و سایر نهادها و سازمان‌های عمومی را از عوامل مؤثر در این زمینه می‌دانند.

شایان ذکر است که از بین راه‌کارهای مطرح شده برای بهسازی نقش‌آفرینی دانشگاه در تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر (جدول ۳)، راه‌کارهایی همانند «بازنگری کارکردهای آموزش عالی توسط متخصصان و صاحب‌نظران علوم تربیتی، ایجاد سایت‌های آموزشی در سطح شهر با کمک سایر نهادهای اجتماعی (شهرداری)، طراحی مجدد شورای عالی انقلاب فرهنگی مبتنی بر سازوکارهای پیش‌برنده و رشددهنده، ترویج دانشگاه بومی در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی، جهانی‌شدن دانشگاه و عدم انقطاع از شبکه‌های جهانی، بومی‌سازی محتوای علوم انسانی، اولویت‌دادن به سیاست‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی، گسترش و توسعه ورزش (فعالیت‌ها، مسابقات و جشنواره‌ها) در دانشگاه‌ها، بازطراحی نظام آموزش عالی منطبق بر آموزش و تربیت توأمان و بازاندیشی ارزش‌های نهادین دانشگاه» را می‌توان خروجی خاص این مقاله دانست.

تحقیق حاضر از نوع کیفی بود و در روند پژوهش، محقق علاوه بر آسیب‌شناسی نقش‌آفرینی دانشگاه در پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر، راه‌کارهای افزایش ضریب تأثیرگذاری و کارآمدی دانشگاه در این مقوله را نیز احصا کرده است، بنابراین راه‌کارهای احصا شده، در واقع پیشنهادی اجرایی پژوهش در راستای نیل به هدف پژوهش است.

منابع

- آدمی ابرقویی، علی (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی بایسته‌های نظری*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی فرهنگی.
- آراسته، حمیدرضا و امیری، الهام (۱۳۹۱). نقش دانشگاه در توسعه آموزش پایدار. *نشریه نساء علم*، ۲(۲)، ۳۶-۳۹.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶). *دانشگاه و چالش‌های جامعه ایرانی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- اشتراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. (ابراهیم افشار، مترجم). (نشر اصلی، ۲۰۱۱)، تهران: نشرنی.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *سالنامه نشریات*، ۳(۲)، ۱۵-۴۴.
- باثوم، رابرت (۱۳۸۲). *دانشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند* (آراسته، مترجم). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- بیبی، ارل (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری - عملی)*. (رضا فاضل، مترجم). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۹۷). *مسائل آموزش عالی ایران*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی؛ سعدآبادی ارانی، علی اصغر (۱۳۹۳). باز تعریف کارکرد اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره). *مطالعات راهبردی بسیج*، (۶۵)، ۶۷-۸۹.
- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۹۶). *واکاوی انتقادی نظام آموزش عالی با تمرکز بر امنیت ملی ایران*. *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۱(۷۱)، ۱۹۷-۲۱۶.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: کتابخانه فروردین.
- قانع‌راد، محمد امین (۱۳۸۲). *ناهمزمانی دانش: رابطه علم و نظام‌های اجتماعی - اقتصادی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۷). *دانشگاه از نردبان تا سایبان*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کینگ، ام. پاتریشا؛ جی‌مایه‌یو، ماتئو؛ مک‌الروی، مولی (۱۳۹۷). *مسئولیت اخلاقی دانشگاه*. (آریا متین و ایمان بحیرایی، مترجمان). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۶). *دانشگاه تأملات نظری و تجربه ایرانی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- معیدفر، سعید (۱۳۹۵). *سخنرانی بررسی انتقادی ساختار و جایگاه اجتماعی دانشگاه در ایران*. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۶). *شهروندی دانشگاهی در ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات اجتماعی فرهنگی.
- نیکسون، جان (۱۳۹۷). *به سوی دانشگاه با فضیلت: مبانی اخلاقی فعالیت دانشگاهی* (بختیار شعبانی ورکی و همکاران، مترجمان). (نشر اصلی، ۲۰۱۶) تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هالوی، ایمی؛ ویلر، استفانی (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق کیفی در پرستاری* (حیدرعلی عابدی، مترجم). تهران: تهران‌نشر.

هاونگی، حسین (۱۳۹۴). نقش آموزش و پرورش در توسعه امنیت اجتماعی. چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران، گذشته، حال، آینده. ۳۱ اردیبهشت. تهران.

یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۲). برنامه ریزی توسعه دانشگاهی (نظریه ها و تجربه ها). تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

References

- Adami Abarghavi, A. (2008). *Introduction to the University of Islamic Civilization Theoretical Requirements*. Tehran: Social-Cultural Studies Planning Office. (in Persian)
- Alaghaband, A. (2005). *Sociology of Education*. Tehran: Farvardin Library. (in Persian)
- Arasteh, H. and Amiri, E. (2012). The Role of the University in the Development of Sustainable Education. *Nasha Alam Journal*, 2(2), 29-36. (in Persian)
- Azad Armaki, T. (2017). *University and the Challenges of Iranian Society*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology. (in Persian)
- Babi, E. (2005). *Research Methods in Social Sciences*. (Reza Fazel, Trans.), Tehran: Samat. (in Persian)
- Baum, R. (2003). *How Universities Work*. (Hamidreza Arasteh, Trans.). Tehran: Higher Education Research and Planning Institute. (in Persian)
- Bayuo, B. B., Chaminade, C., & Göransson, B. (2020). Unpacking the role of universities in the emergence, development and impact of social innovations—A systematic review of the literature. *Technological Forecasting and Social Change*, 155, 120030.
- Brown, S.A. & Flick, L., Williamson, K.J. (2005). Social Capital in Engineering Education, *Proceedings - Frontiers in Education Conference 2005: S3D - S3D*.
- Coelho, M., & Menezes, I. (2021). University Social Responsibility, Service Learning, and Students' Personal, Professional, and Civic Education. *Frontiers in Psychology*, 12, 436. doi: 10.3389/fpsyg.2021.617300
- Fozdar, F. & Ann Martin, C. (2020). Constructing the postnational citizen? Civics and citizenship education in the Australian National Curriculum. *Curriculum Studies*, 52(12), 1-23.
- Gaudelli, W. (2016). *Global citizenship education: Everyday transcendence*. Routledge. New York, Abingdon.
- Ghani Rad, M.A. (2003). *Knowledge Asynchrony: The Relationship between Science and Socio-Economic Systems in Iran*, Tehran: Scientific Policy Research Center. (in Persian)
- Harshman, J. (2015a). Epilogue: The future of teaching and research in global citizenship education. In J. Harshman, T. Augustine, & M. Merryfield (Eds.), *Research in global citizenship education*. Charlotte, NC: Information Age Publishing.
- Hawngi, H. (2015). The Role of Education in the Development of Social Security. *Fourth Conference on the Iranian Islamic Model of Progress; The future; the progress of Iran*. Tehran. (in Persian)
- Iman, M.T. and Noshadi, M.R. (2011). Qualitative Content Analysis. *Yearbook of Publications*, 3(2), 15-44. (in Persian)

- Kazemi, A. (2017). *University from Ladder to Canopy*, Tehran: Publications of the Research Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- King, M.P., Jimmyahu, M., McAlroy, M. (2017). *University Moral Responsibility*. (Arya Matin and Iman Bahiraei, Trans.). Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Mahozhi, R. (2017). *University of Iranian Theoretical Reflections and Experience*. *Research Institute for Cultural and Social Studies*. Tehran. (in Persian)
- Moeidfard, S. (2016). *Lecture on Critical Review of University Structure and Social Status in Iran*. Tehran: Sociological Association of Iran. (in Persian)
- Nejati Hosseini, S.M. (2017). *University Citizenship in Iran*. Tehran: Institute of Social and Cultural Studies. (in Persian)
- Nixon, J. (2007). *Towards a virtuous university: Ethical foundations of academic activity* (Bakhtiar Shabani Varki et al., Translators). (Original Publication, 2016) Tehran: Shahid Beheshti University Press. (in Persian)
- Nye, J. (2005). Soft power and higher education. In *Forum for the Future of Higher Education (Archives)*.
- Power, C. (2005). Quo vadis? Education For what purpose? *Social Alternatives*, 24(4), 13-18.
- Sardarnia, Kh. (2016). Critical Analysis of the Higher Education System with a Focus on Iran's National Security. *Quarterly Journal of Epistemological Studies at the Islamic University*, 21(71), 197-216. (in Persian)
- Sarmad, Z., Bazargan, A. and Hejazi, E. (2006). *Research Method in Behavioral Sciences*, Tehran: Agah. (in Persian)
- Sim, J. (2011). Social studies and citizenship for participation in Singapore: How one state seeks to influence its citizens. *Oxford Review of Education*, 37(6), 743-761.
- Strauss, A., Corbin, J. (2010). *Basics of qualitative research: techniques and stages of production of grounded theory*. (Ibrahim Afshar, Trans.). (Original publication, 2011), Tehran: Publishing. (in Persian)
- Suzzalo, H. (1932). A program for tomorrow. *Educ. Rec.*, 85-98.
- Torres, C. A. (2017). *Theoretical and empirical foundations of critical global citizenship education*. New York, NY: Routledge.
- UNESCO (2005). *Toward Knowledge Societies*. Paris: UNESCO Publication.
- Veugelers, W. (2017). The moral in Paulo Freire's educational work. *Journal of Moral Education*, 46, 412-421.
- Yamini Dozi Sorkhabi, M. (2004). *University Development Planning (Theories and Experiences)*, Tehran: Shahid Beheshti University. (in Persian)
- Zaker Salehi, Gh. (2017). *Higher Education Issues in Iran*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications. (in Persian)
- Zolfagharzadeh, M. and Saadabadi, A. (2014). Redefining the main function of the university in society based on Islamic ideals in the thought of Imam Khomeini. *Basij Strategic Studies*, (65), 67- 89. (in Persian)